

بررسی نیازهای انسان از دیدگاه قرآن با تأکید بر تفسیر المیزان

azizikia@iki.ac.ir

64mahdiabedi@gmail.com

غلامعلی عزیزی کیا / دانشیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مهدی عابدی / کارشناس ارشد گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۹۹/۱۰/۳۰

دریافت: ۹۹/۰۵/۱۵

چکیده

یکی از مسائل مهم انسان‌شناسی، شناخت نیازهای انسان است. قرآن کریم برای هدایت انسان نازل شده و توجه ویژه به نیازهای او دارد، شناخت این نیازها از منظر قرآن از اهمیت ویژه برخوردار است. انسان چه نیازهایی دارد؟ آیا نیازهای انسان صرفاً مربوط به بقا و کمال بعد مادی اوست یا نیازهای غیرمادی نیز دارد که به کمال بعد معنوی او مربوط می‌شود؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تفسیر موضوعی، با تأکید بر دیدگاه‌های علامه طباطبائی در تفسیر المیزان به بررسی این مسئله پرداخته و به نکاتی به شرح زیر دست یافته است: نیازهای انسان از ابعاد وجودی او نشئت گرفته‌اند؛ با توجه به آیات قرآن، انسان دارای دو دسته نیاز مادی و معنوی است؛ مهم‌ترین نیازهای مادی انسان شامل خوردن و آشامیدن، مسکن، پوشش، همسر، خواب و امنیت است؛ و نیازهای معنوی انسان دربرگیرنده اموری چون شناخت، هدایت، عزت، ولایت، پرستش، محبوبیت و احترام، الگو، زینت و آرایش، دین، و اطمینان قلب است.

کلیدواژه‌ها: نیازهای انسان، نیازهای مادی، نیازهای معنوی.

مقدمه

آن به بیان نیازهای انسان از منظر اندیشمندان دینی (علامه طباطبائی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت‌الله مصباح) و روان‌شناس معروف (مزلو) پرداخته، اما نویسنده در این اثر افزون بر اینکه تمام نیازهای انسان را احصا نکرده است، در بیان نیازها در پی کشف نظر قرآن نیست و به آیات نیز کمتر استناد کرده است.

مقاله «درآمدی بر شناسایی نیازهای انسان از دیدگاه قرآن با تأکید بر برتری نیازهای معنوی در سلسله نیازها» (سلطانی، ۱۳۹۲). این مقاله به بررسی نیازهای انسان و عوامل و موانع تأمین آنها از دیدگاه قرآن پرداخته و دیدگاه‌های مختلف در مورد نیازهای انسان را ذکر کرده است؛ اما تمام نیازهای معنوی در این مقاله بیان نشده، چنان‌که در مواردی استفاده از آیات با دقت کافی همراه نیست.

۱. مفهوم‌شناسی

نیاز به معنای احتیاج و نوعی وابستگی به چیزی است (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۵). در زبان عربی به‌ویژه در قرآن کریم برای بیان نیازمندی، واژه‌های متعددی وجود دارد و مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. «حاجة» به معنای نیاز (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ماده حوج). یا نیاز همراه با محبت به چیزی (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ماده حوج)؛

۲. «فقر» به معنای نیازمندی (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ماده فقر)؛

۳. «مسکنة» به معنای فقر یا فقر شدید (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ماده سکن). به‌عنوان مثال قرآن کریم در بیان نیازمندی انسان به خداوند از ماده و مفهوم فقر استفاده کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵)؛ ای مردم! شما نیازمند به خدا هستید و او از هر نظر بی‌نیاز و شایسته حمد و ستایش است. خداوند در این آیه فقر را منحصر در انسان، و بی‌نیازی را منحصر در خود کرده؛ و فقر و غنا نیز دو صفت متقابل‌اند. بنابراین انسان‌ها منحصر در فقرند و غیر از فقر چیزی ندارند و غنی مطلق خدای متعال است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۳۳).

علامه طباطبائی در بحث فقر و نیازمندی انسان به سه امر توجه می‌کند: ۱. دستگاه‌های موجود در انسان (مثل دستگاه جنسی انسان) که زمینه تأمین نیاز را فراهم می‌کنند. ۲. خود نیاز (مثل نیاز جنسی).

انسان در حیات فردی و جمعی خود دارای نیازهای گوناگونی است و چون شناخت صحیح نیازهای انسان از مباحث مهم در انسان‌شناسی است و قرآن هم منبع اصلی برای شناخت انسان می‌باشد، بررسی نیازهای انسان از دیدگاه قرآن کریم مسئله‌ای مهم در انسان‌شناسی اسلامی است که طرح و بررسی آن به شکل صحیح و فنی، می‌تواند افق تازه‌ای در مباحث انسان‌شناسی معاصر بگشاید.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان نکات سودمندی را در تفسیر آیات مرتبط با این موضوع مطرح کرده و پژوهش حاضر می‌کوشد در طرح مستندات قرآنی این مبحث، از نتیجه کوشش‌های تفسیری ایشان بهره‌گیرد. نیازهای انسان از منظر قرآن به دو دسته اساسی قابل تقسیم است؛ الف. نیازهایی که به بقا و کمال بعد مادی انسان مربوط می‌شود. ب. نیازهایی که به کمال بعد معنوی او مربوط است. ما در این تحقیق با توجه به فضای مقاله، به نیازهای مهم انسان در دو بُعد یادشده از منظر قرآن می‌پردازیم.

به لحاظ پیشینه، اثری که به مسئله کشف نیازهای انسان از دیدگاه قرآن به روش تفسیر موضوعی پرداخته باشد، یافت نشد. آثاری که ارتباط نزدیک‌تری با مقاله حاضر دارند به‌طور کامل و جامع نیازهای انسان را بیان نکرده‌اند. در ذیل به برخی از این آثار اشاره کرده و کاستی آنها را ذکر می‌کنیم.

کتاب نیازهای انسان از منظر آموزه‌های دینی و روان‌شناسی

(مرویان حسینی، ۱۳۸۳). در این اثر، افزون بر اینکه نیازهای انسان به‌طور کامل تفحص نشده، بیشتر از روایات استفاده شده است، درحالی‌که آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که نیازهای انسان را مطرح می‌کنند و در این اثر به آنها اشاره نشده، علاوه بر آن، برخی برداشتها از آیات نیز غیردقیق به نظر می‌رسند.

مقاله «معیار تشخیص نیازهای واقعی انسان از نیازهای کاذب از دیدگاه اسلام» (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۵). در این مقاله استعدادها و نیازهای واقعی انسان، برخی نیازهای معنوی، دسته‌بندی نیازها، تقدم نیازهای معنوی بر نیازهای مادی، و... مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما این اثر به نیازهای مادی انسان به صورت فهرست‌وار پرداخته و فقط در موارد بسیار اندک، به آیات قرآن استناد کرده است.

مقاله «راه‌کارهای عینی پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای انسان معاصر» (کلانتری، ۱۳۸۹). این مقاله دو بخش دارد که بخش اول

۳. لذتی که برای تأمین نیاز در وجود انسان تعبیه شده و انگیزه انسان برای تأمین آن نیاز است؛ یعنی خالق حکیم برای تحقق اهداف خود از خلقت انسان او را مجهز به ابزار تأمین نیازهای خود کرده است. خداوند نیاز و لذت تأمین نیاز را نیز در خلقت انسان لحاظ کرده و این سه تدبیر در ساختمان وجودی انسان، غرض از خلقت او را فراهم می‌کنند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۱۰۸-۱۰۹). تقسیماتی در مورد نیازها از سوی دانشمندان دینی ارائه شده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۲. نیازهای ثابت و نیازهای متغیر

در نگاه علامه طباطبائی اصیل‌ترین بعد وجودی انسان که جنبه ثابت وجود اوست، انسانیت انسان است. این جنبه قدر مشترک تمام نژادهای انسان در همه عصرهاست که در درجه اول، یک سلسله نیازهای مشترک را پدید می‌آورد، که محتاج وضع قوانین مشترک است. نیاز به سیانت از جان، خوردن و آشامیدن، غریزه جنسی، لباس، مسکن، عواطف مختلف، جست‌وجوگری و اندیشه‌ورزی، از نیازهای مشترک انسان‌هاست. این نیازهای ثابت قوانین ثابتی می‌خواهند. از سوی دیگر، انسان‌ها در زندگی خود نیازهای دیگری دارند که با پیشرفت مدنیت، به تدریج برطرف و نیازهای تازه‌ای جایگزین آنها می‌شود. این نیازهای متغیر نیز قوانین متغیری می‌خواهند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۸۲-۸۴).

شهید صدر نیز با استناد به احکام ثابت و متغیر در اسلام، این ثبات و تغییر را متأثر از وجود نیازهای ثابت و متغیر در وجود انسان می‌داند. در نگاه ایشان نیازهای ثابت از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد؛ چون انسان در ذات خود دو بعد مادی و روحی دارد. به همین سبب نیازهای ثابت او نیز به دو بخش مادی (مانند نیاز به همسر و تأمین زندگی مادی) و معنوی (مانند نیاز به ارتباط با خدا، آزادی شخصی و اجتماعی) تقسیم می‌شوند (ر.ک: صدر، ۱۳۵۸، ص ۱۰۱ و ۱۰۲). شهید مطهری نیز با بیانی دیگر به این مطلب اشاره می‌کند (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۸۳).

۳. نیازهای مادی و نیازهای روانی

آیت‌الله مصباح خواست‌ها و امیال انسان را این‌گونه تقسیم می‌کند:

۱. آنچه جنبه مادی و فیزیولوژیک دارد؛ ۲. آنچه جنبه روانی

دارد، اما از خواست‌های نازل روحی است؛ مثل: شادی و آرامش؛ ۳. آنچه جنبه روانی دارد، اما از خواست‌های عالی روحی است؛ مثل: آرمان‌خواهی، آزادی‌طلبی؛ که می‌توان نام آنها را آرمان‌های والای انسانی گذاشت. قسم سوم، چهار دسته‌اند: ۱. حق‌جویی؛ ۲. فضیلت‌خواهی؛ ۳. زیبایی‌طلبی؛ ۴. حس مذهبی (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۲ب، ج ۱، ص ۲۲۰). هرچند ایشان خواست‌ها و امیال را به شکل مذکور تقسیم‌بندی کرده است، نه نیازهای انسان را؛ با این وجود خواست‌ها و امیال واقعی ریشه در نیازهای انسانی دارد.

با توجه و دقت به این تقسیم‌بندی‌ها می‌توان به این نکته رسید که تقریباً در تمام آنها به‌طور صریح یا ضمنی، ملاک تقسیم‌بندی، ابعاد وجودی (بعد مادی و بعد معنوی) انسان می‌باشد. بنابراین، ما نیز نیازهای انسان را به نیازهای مادی و معنوی تقسیم می‌کنیم. براین اساس مراد ما از نیاز انسان، امری وجودی است که از ساختمان وجود انسان نشأت گرفته و حاکی از نوعی نقص و فقدان می‌باشد که تأمین آن، بقا یا کمال وجود او را در پی دارد.

۴. نیازهای انسان از منظر قرآن

نیازهای انسان از منظر قرآن کریم به نیازهای مادی و نیازهای معنوی تقسیم می‌شوند. ما ابتدا به بررسی نیازهای مادی و در ادامه به نیازهای معنوی انسان می‌پردازیم.

۴-۱. نیازهای مادی

قرآن نیازهای مادی متعددی برای انسان ذکر کرده که برخی از مهم‌ترین آنها به این شرح است:

الف. خوردن و آشامیدن

خداوند در آیات فراوانی به نیاز انسان به خوردن و آشامیدن اشاره دارد. چه در بهشتی که حضرت آدم و حوا پیش از هبوط به زمین در آن بودند (بقره: ۳۵) و چه در این عالم (بقره: ۶۰) و چه در عالم برزخ (آل عمران: ۱۶۹؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۸۳) و چه در بهشت (واقعه: ۲۰-۳۲) و چه در جهنم (واقعه: ۵۱-۵۲)؛ یعنی در هر عالمی که انسان آنجا باشد به خوردن و آشامیدن نیاز دارد. بنابراین نیاز به خوردن و آشامیدن از نیازهای ثابت و مادی انسان است. علامه طباطبائی ذیل آیه ۱۶۸ سوره «بقره» «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا

دارای پوشش بودند؛ ثانیاً؛ برهنه بودن را نمی‌پسندیدند؛ ثالثاً؛ انسان نیاز به پوشش اندام جنسی خود دارد، هرچند با برگ درختان باشد (ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۱۷-۱۱۸).

در آیه ۲۶ سوره «اعراف» «یا بنی آدم قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا» نیز به این نیاز اشاره شده که علامه طباطبائی در تفسیر آن می‌نویسد: واژه «لباس» در اصل مصدر است و به معنای چیزی است که برای پوشیدن و پوشانیدن بدن صلاحیت داشته باشد. «ریش» به معنای هر پوششی است که مایه زینت و جمال باشد و جمله «یوارِی سَوْآتِکُمْ» که وصف برای «لباس» است، دلالت دارد بر اینکه لباس پوشش واجب و لازمی است که کسی از آن بی‌نیاز نیست. خداوند در این جمله بر آدمیان منت می‌گذارد که به پوشیدن لباس و آرایش خود هدایتشان کرده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۶۹). منت گذاشتن خداوند، دلالت بر نیاز و ضرورت آن برای انسان دارد.

د. نیاز جنسی

نیاز جنسی ریشه در بعد مادی انسان دارد؛ چون اندام جنسی در همین بعد تعبیه شده است. این نیاز برای بقاء نسل انسانی ضروری است. در قرآن هم توجه ویژه‌ای به این نیاز شده و در آیات متعددی به وجود آن در انسان و راه‌های ارضاء و پاسخ به آن اشاره شده است. خداوند می‌فرماید: «وَوَلَقْنَاكُمْ أَرْوَاغًا» (نبأ: ۸)؛ یعنی ما شما را جفت جفت از نر و ماده آفریدیم، تا سنت ازدواج و تناسل در بین شما جریان یابد، و نوع بشر تا روزی که خدا خواسته باشد، باقی بماند (ر.ک: همان، ج ۲۰، ص ۲۶۱). همچنین در آیه ۲۱ سوره «روم» می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» و از نشانه‌های خداوند این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید. همسر افزون بر اینکه به لحاظ عاطفی مایه آرامش انسان می‌شود، موجب ارضای خواسته‌های جنسی او نیز می‌شود.

علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: هریک از مرد و زن دستگاه تناسلی دارند که با دستگاه تناسلی دیگری تکمیل می‌گردد و از مجموع آن دو توالد و تناسل صورت می‌گیرد؛ پس هریک از آن دو فی‌نفسه ناقص، و محتاج به طرف دیگر است (ر.ک: همان، ج ۱۶، ص ۱۶۶). این نیاز نیز از نیازهای ثابت انسان است، چون نخستین انسان با

تَبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» می‌فرماید: کلمه (اکل) در اصل به معنای جویدن و بلعیدن است و لکن به‌عنوان کنایه در مطلق تصرفات در اموال نیز استعمال می‌شود و جهتش این است که در آن تصرفات نیز منظور اصلی انسان خوردن است؛ زیرا خوردن به‌طور کلی رکن زندگی آدمی است و برگشت معنای آیه این است که «از همه نعمت‌های خدا که در زمین برای شما آفریده، بخورید؛ زیرا خدا آنها را برای شما حلال و طیب کرد و از خوردن هیچ حلال طبیعی خودداری نکنید؛ چون این کار بدون علم، بدعت و پیروی از گام‌های شیطان است» (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۱۸).

ب. مسکن

نیاز به مسکن از نیازهای مادی انسان است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ» (نحل: ۸۰)؛ علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌نویسد: معنای جمله «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا»، این است که خدا بعضی از خانه‌های شما را برای شما مایه سکونت قرار داد که در آن ساکن شوید (ر.ک: همان، ج ۱۲، ص ۴۳۱). خداوند در این آیه از مسکن به‌عنوان یک نعمت یاد می‌کند که به انسان عطا کرده و به خاطر آن بر انسان منت می‌گذارد و این نشانه آن است که مسکن یکی از نیازهای مهم و حیاتی برای انسان است. نیاز به مسکن نیز مانند نیاز به خوردن و آشامیدن، از نیازهای ثابت انسان است که هم قبل از هبوط حضرت آدم ﷺ به زمین (بقره: ۳۵) و هم در این دنیا (اعراف: ۷۴) و هم در آخرت (توبه: ۷۲)، در آیات قرآن برای انسان مسکن به‌عنوان یک نیاز مطرح شده است.

ج. پوشش (لباس)

از برخی آیات می‌توان استفاده کرد که نیاز انسان به لباس و پوشش ریشه در فطرت انسان دارد (اعراف: ۲۲) و اینکه این نیاز از نیازهای ثابت برای انسان است. چون اولین انسان‌ها قبل از به زمین آمدن و هم انسان‌های از نسل او در این دنیا و هم در آخرت طبق آیات قرآن به لباس نیاز دارند (اعراف: ۲۲ و ۲۶؛ حج: ۱۹ و ۲۳؛ کهف: ۳۱). در ماجرای حضرت آدم ﷺ و حوا، خداوند در آیه ۲۲ سوره «اعراف» می‌فرماید: «فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» از این آیه استفاده می‌شود که اولاً؛ آنان از قبل

۴-۲. نیازهای معنوی

بخش دیگری از نیازهای انسان با بعد غیرمادی آدمی مرتبط است و تأمین آنها کمال حقیقی انسان را در پی خواهد داشت. نیازهای معنوی انسان از منظر قرآن در قالب زیر قابل بازگویی است.

الف. نیاز به شناخت (علم و آگاهی)

آیات فراوانی در قرآن به علم و شناخت و ابزار آن و راه‌های دستیابی و منابع آن اشاره می‌کنند. از روشن‌ترین آیاتی که در زمینه علم وجود دارد و به‌ویژه با اختیار و مسئولیت انسان، رابطه دارد، آیه «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (انسان: ۲) است. علامه طباطبائی می‌نویسد: معنای آیه این است که «ما انسان را از نطفه‌ای که دارای اجزایی ممتاز است، خلق کردیم؛ درحالی‌که ما او را از حالی به حالی نقل می‌دهیم و او را سمیع و بصیر کردیم، تا دعوت الهی را که به وی می‌رسد بشنود و آیات الهی دال بر وحدانیت او و نبوت و معاد را ببیند. بنابراین انسان برای رسیدن به کمال نیاز به شناخت دارد که ابزار آن را خداوند در وی قرار داده است» (ر.ک: همان، ج ۲۰، ص ۱۲۲). آیه پس از ذکر آفرینش آدمی از نطفه آمیخته، به حکمت و هدف این آفرینش، که مورد آزمایش قرار گرفتن اوست، اشاره می‌کند؛ سپس می‌فرماید: ما به او توان ادراک دادیم، او را شنوا و بینا آفریدیم. با توجه به ربط این کلمات، درمی‌یابیم که برای آزمایش ابزار شناخت یعنی سمع و بصر لازم است. لذا از این آیه ضرورت شناخت برای انسان قابل برداشت است (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۲، ب، ج ۱، ص ۳۸۷).

در آیه ۳۱ سوره «بقره» خداوند می‌فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ یعنی خداوند علم به تمام اسماء را به آدم عطا فرمود و همین علم به اسماء بود که موجب استحقاق مقام خلافت خدایی برای آدم شد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ق، ج ۱، ص ۱۱۷). از این آیه می‌توان به اهمیت و جایگاه علم و شناخت و نیاز آن برای انسان پی برد. با توجه به اینکه طبق آیه ۵ سوره «علق» «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم»، خداوند به انسان آنچه را که نمی‌دانسته، تعلیم داده است، نیاز انسان به شناخت و ضرورت آن مشخص می‌شود. چون اگر انسان نیازی به علم نداشت، تعلیم آن ضرورتی نداشت و در نتیجه کار خداوند عبث و بی‌فایده می‌شد. از سویی آیات متعددی که ترغیب به

زوجش آفریده شد و نسل او هم دارای زوج است و در آخرت هم ازواجی برای انسان‌ها در نظر گرفته شده است (نساء: ۱؛ نبأ: ۸).

هـ. نیاز به خواب و استراحت

نیاز به خواب و استراحت از نیازهای مادی انسان است؛ چون از بعد مادی او ناشی شده است؛ یعنی وجود انسان به گونه‌ای آفریده شده که بدنش خسته می‌شود و به خواب و استراحت نیاز پیدا می‌کند. علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۶۷ سوره «یونس» «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا» می‌نویسد: خداوند شب را مایه سکونت انسان‌ها و روز را مایه دیدن آنان قرار داد که باعث انواع حرکات و تلاش برای کسب نیازهای زندگی و اصلاح شئون معاش آنها می‌شود. خداوند با تدبیر خود، شب را ظلمانی کرد تا مردم مجبور شوند دست از کار کشیده خستگی و کوفتگی روز را با استراحت و انس با زن و فرزند و بهره‌مندی از آنچه از راه کسب روزانه به دست آورده، برطرف سازند و با خوابیدن و استراحت تجدید قوا کنند، و با روشنی روز که وسیله دیدن اشیا و اشتیاق به آنهاست، به طلب آن اشیا برخیزند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ق، ج ۱۰، ص ۹۴).

و. نیاز به امنیت

یکی دیگر از نیازهای مادی انسان نیاز به امنیت است؛ یعنی انسان برای بقا و ادامه زندگی خود باید در امنیت قرار داشته باشد. بعد مادی انسان همواره در معرض خطر ناامنی و آسیب قرار دارد. در آیه ۴ سوره «قریش» «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»، خداوند به خاطر نعمت امنیتی که به قریش داده است، بر آنان منت می‌گذارد. علامه طباطبائی در ذیل این آیه ضمن اینکه اشاره می‌کند که این آیه در مقام منت نهادن بر قریش می‌باشد (ر.ک: همان، ج ۲۰، ص ۳۶۶) اظهار می‌دارد که این آیه نشان می‌دهد انسان در زندگی به امنیت نیاز دارد؛ زیرا اگر انسان نیازمند امنیت نبود، وجود یا عدم آن، چندان اهمیتی نداشت و منت گذاشتن خدا هم بی‌معنا بود. در بعضی از آیات خداوند سلب امنیت را به عنوان کیفر اعمال (نحل: ۱۱۲) و در برخی دیگر آن را سبب امتحان و آزمایش انسان (بقره: ۱۵۵) معرفی می‌کند. این مطلب بیانگر نیازمند بودن انسان به امنیت است که نبود آن نوعی کیفر اعمال یا وسیله آزمایش انسان معرفی شده است.

ج. نیاز به عزت

عزت به حالتی گفته می‌شود که مانع از شکست انسان می‌شود و عزیز کسی است که شکست نمی‌خورد (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ماده عز). این معنای اصلی کلمه است؛ اما بعدها در مورد هر چیز دشواری نیز استعمالش کردند، و در آخر در مورد هر غلبه‌ای استعمال شد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۱۳۱). یکی از نیازهای انسان که از بعد معنوی او نشئت گرفته و مربوط به روح اوست (چون حالتی درونی است)، نیاز به عزت است.

خداوند در آیه ۱۳۹ سوره «نساء» می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» یعنی منافقانی که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند، آیا عزت را نزد آنان می‌جویند؟ با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست. عزت یکی از لوازم ملک است، عزت مطلق هم از لوازم ملک مطلق است؛ پس غیرخدا هر کس سهمی از ملک و عزت داشته باشد از جانب خدای متعال است؛ پس عزت تنها و تنها از آن خداست (ر.ک: همان، ج ۵، ص ۱۱۵). از این آیه استفاده می‌شود که انسان نیاز به عزت دارد؛ اما در مصداق و راه دستیابی به آن، دچار اشتباه می‌شود. خداوند عزت را به خود نسبت می‌دهد به واسطه عزیز بودنش بر تمام دشمنان خود غلبه می‌کند و اراده خود را محقق می‌کند و انسان همچون جانشین خداوند است باید دارای عزت باشد تا بتواند کار خلافت خود را انجام دهد؛ بنابراین عزت را به رسول خود و مؤمنان نسبت می‌دهد (منافقون: ۸) و آن را به آنان عطا می‌کند. انسان اگر عزیز باشد زیر بار ذلت نفس و هواهای نفسانی نخواهد رفت و در مقابل تمام سختی‌ها و دشمنان سعادت خود، مستحکم و استوار ایستادگی می‌کند و به کمال و سعادت خود نائل می‌شود. لذا انسان برای رسیدن به کمال، نیازمند عزت است.

د. نیاز به ولی و سرپرست

انسان برای رسیدن به کمال و سعادت نیاز به سرپرستی در تمام شئون زندگی و اداره آن دارد. این نیاز از نیازهای معنوی انسان است؛ چراکه انسان اگر به جایگاه محکم و استواری دل بسته باشد و جان و روح خود را در حمایت و سرپرستی قدرت مطلق و تحت تدبیر و هدایت او ببیند، با استقامت و صلابت به سوی کمال وجودی خود حرکت می‌کند. خداوند در سوره «بقره» آیه ۲۵۷ می‌فرماید: «اللَّهُ

علم و عمل طبق یقین و علم (مجادله: ۳۲؛ فاطر: ۲۸؛ انبیاء: ۷؛ اسراء: ۳۶) و مذمت جهل و سستی در فراگیری علم (اعراف: ۱۸۵) و تعظیم عالمان و بیان ابزارها (نحل: ۷۸) و سرنخ‌های به‌دست آوردن شناخت و تأکید فراوان برای تفکر و تعقل در عالم هستی و حتی خلقت خود انسان (فصلت: ۵۳؛ روم: ۸) را بیان می‌کنند، همه دلالت بر نیاز انسان به این گوهر با ارزش برای انسان دارد که با آن می‌تواند از شقاوت رسته و به سعادت و کمال نائل آید.

ب. نیاز به هدایت

هدایت به معنای دلالت و نشان دادن هدف، به‌وسیله نشان دادن راه است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۴). بنابراین هر انسان برای رسیدن به کمال نیاز به هدایت دارد. در قرآن هدایت و ضرورت آن مورد توجه قرار گرفته است (بقره: ۳۸، ۱۲۰ و ۱۸۵؛ آل عمران: ۱۳۸؛ انعام: ۹۰ و ۹۱ و ۱۲۵). از جمله آیه ۶ سوره «حمد» که از انسان خواسته شده که هر روز پنج وعده و ده مرتبه در نمازهای واجب، از خداوند درخواست کند تا او را به راه راست هدایت کند که انسان را به سوی خداوند سوق می‌دهد و موجب هم‌نشینی با انبیاء و صدیقین و شهدا و صالحان می‌شود، این درخواست روزانه و مستمر از اولین روز تکلیف تا آخر عمر انسان، نیاز انسان به هدایت و ضرورت و اهمیت آن را می‌رساند. خداوند انسان را به دو شیوه هدایت می‌کند: یکی «هدایت تکوینی» و دیگری «هدایت تشریحی»، که در قرآن مطرح شده است. «هدایت تکوینی» که در تمام موجودات جهان وجود دارد و زیر پوشش نظام آفرینش و قانونمندی‌های حساب‌شده جهان هستی جریان دارد. قرآن مجید در این زمینه از زبان موسی علیه السلام می‌گوید: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ تُمِّمْ هَدْيَ» (طه: ۵۰)؛ پروردگار ما همان کسی است که همه چیز را آفرید و سپس آن را هدایت کرد. «هدایت تشریحی» که به وسیله پیامبران و کتاب‌های آسمانی انجام می‌گیرد و انسان‌ها، با تعلیم و تربیت آنان در مسیر تکامل پیش می‌روند؛ آیه ۷۳ سوره «انبیاء» «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا»، آنها را راهنمایی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کنند، در این زمینه است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۷). یعنی خداوند با در اختیار قرار دادن تمام ابزارهای رسیدن به کمال (هدایت تکوینی) و مجموعه قوانین الهی که همان دین است (هدایت تشریحی)، به نیاز انسان به هدایت پاسخ داده است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۴۷).

پرستش معبودی می‌رود؛ حال معبود حقیقی یا معبود باطل و ساختگی، نشان‌دهنده نیاز انسان به پرستش است. چون این نیاز مستقیماً با بعد روحانی و معنوی انسان مرتبط است، بنابراین از نیازهای معنوی می‌باشد.

و. نیاز به محبوبیت و احترام

حب حقیقی است که در تمامی موجودات عالم، سریان و جریان دارد و معنای آن تعلق و ارتباط وجودی بین محب و محبوب است. محبت دارای مراتب مختلفی است و شدت و ضعف دارد؛ چون رابطه‌ای وجودی است و وجود حقیقی دارای مراتب است، لذا محبت نیز دارای مراتب است (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۴۱۱ و ۴۱۲). بنابراین یکی از نیازهای معنوی انسان نیاز به محبت است. هر انسانی دوست دارد که دیگران نسبت به او محبت کنند و او را دوست داشته باشند. اصولاً عامل بقای زندگی جمعی و اجتماعی، محبت است. انسان دوست دارد محبوب واقع شود و مورد محبت قرار گیرد. این مطلب از آیات قرآن قابل برداشت است. در موارد فراوانی خداوند اعلام می‌کند که افرادی مثل متقین، محسنین، و صابریں را دوست دارد (آل عمران: ۷۶؛ بقره: ۱۹۵؛ آل عمران: ۱۴۶). در مقابل، عده‌ای مثل کافران، ظالمان، مسرفان، و مفسدان را دوست ندارد (آل عمران: ۳۳؛ آل عمران: ۵۷؛ انعام: ۱۴۱؛ مائده: ۶۴). از این آیات فهمیده می‌شود که انسان نیاز به محبت از جانب خداوند دارد؛ چون اگر چنین نیازی در او نبود، برایش تفاوتی نداشت که محبوب خداوند قرار بگیرد یا نگیرد و این اعلام از جانب خداوند وجهی نداشت. بنابراین اینکه خداوند می‌فرماید این گروه را دوست دارم و گروه دیگر را دوست ندارم، حاکی از این است که انسان دوست دارد، محبوب واقع شود و دیگران نسبت به او نگاه محبت‌آمیز و محترمانه داشته باشند. آیه ۹۶ سوره «مریم» «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» به این مطلب اشاره دارد. در این آیه خداوند وعده زیبایی به مؤمنان نیکوکار داده که به زودی برای آنها محبتی در دل‌ها قرار می‌دهد (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۱۳). از آنجا که محبت در حقیقت حالتی است که در دل یک موجود ذی‌شعور، نسبت به چیزی که با وجود او ملامت، و با تمایلات و خواسته‌های او تناسب داشته باشد، پدید می‌آید (مصباح، ۱۳۸۴ الف، ج ۱، ص ۳۱۵) و ظرف محبت هم دل و قلب است، به این نتیجه می‌رسیم که نیاز به محبت

وَلِئَلَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجَهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ؛ خدا ولی و سرپرست مؤمنان و طاغوت ولی و سرپرست کفار می‌باشد. از این آیه می‌توان فهمید که انسان چه مؤمن و چه کافر، نیاز به ولی و سرپرست دارد؛ اما ولایت الهی منتهی به نور و سعادت، و ولایت کفار منتهی به ظلمت و هلاکت می‌شود.

مؤمنان خداوند را به‌عنوان مولای خود برگزیدند و خدای سبحان هم از این جهت مولاست که مالک بندگان و امور آنان در صراط تکوین است و هم مدیر امور آنان است و هر جور بخواهد تدبیر می‌کند؛ و هم از این جهت که مدبر امور بندگان در صراط سعادت است، ایشان را به سوی سعادتشان و به سوی بهشت هدایت می‌کند و به اعمال صالح موفقتان می‌کند و بر دشمنان یاری‌شان می‌دهد و اما کفار بت‌ها و یا ارباب بت‌ها را مولای خود گرفتند، در نتیجه همان‌ها مولای ایشان‌اند (ر.ک: همان، ج ۱۸، ص ۲۳۰).

ه. نیاز به پرستش

انسان همواره در طول تاریخ در برابر آنچه که فکر می‌کند شایستگی تواضع و عبادت و اطاعت دارد سر تعظیم فرود آورده و برای آن تقدس قائل بوده و او را پرستش می‌کرده است. قرآن انسان‌ها را به معبودی که حقیقتاً شایستگی پرستش را دارد، دعوت می‌کند. در آیات بسیاری، مصادیق باطل را با استدلال و برهان نفی، و مصادیق واقعی و حق را با استدلال و برهان قاطع معرفی می‌کند (اعراف: ۷۰ و ۱۹۴؛ هود: ۱۲۳؛ یس: ۶۰؛ عنکبوت: ۵). این نیاز از عالی‌ترین و مهم‌ترین نیازهای انسان است تا جایی که خداوند در آیه ۵۶ سوره «ذاریات» می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ یعنی هدف اصلی از خلقت جنیان و انسان‌ها عبودیت و پرستش خداوند است. علامه طباطبائی در ذیل این آیه می‌گوید: الف و لام در دو کلمه، «الجن» و «الانس» برای جنس است، نه استغراق، و مراد از عبادت، خود عبادت و نه صلاحیت و استعداد آن، است. و حقیقت عبادت این است که بنده، خود را در مقام ذلت و عبودیت قرار دهد، و به جانب مقام رب خود رو آورد. پس غرض نهایی از خلقت همان حقیقت عبادت است، یعنی اینکه بنده از خود و از هر چیز دیگر بریده، و به یاد پروردگار خود باشد، و ذکر او بگوید (ر.ک: همان، ج ۱۸، ص ۳۸۸). بنابراین اینکه انسان فطرتاً به سوی

به‌عنوان الگو و نمونه‌های عینی برای جامعه ایمانی و مؤمنان ذکر می‌کند. یعنی گاهی به بیان سیره آنها و گاهی از محبت‌های خود نسبت به آنان سخن می‌گوید و این محبت را به خاطر نیکوکار بودن آنها می‌شمرد و در آیاتی هم پیامبر اکرم ﷺ روش‌های علمی و عملی آنان را تصدیق می‌کند که همه این موارد بیانگر اسوه و مقتدا بودن آنهاست (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۱۸۲-۱۸۶).

در برخی از آیات خداوند پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان را از پیروی از برخی الگوها نهی می‌کند و می‌فرماید: «فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ» (قلم: ۴۸). در این آیه رسول خدا ﷺ را از اینکه مانند یونس ﷺ باشد، نهی می‌کند؛ زیرا وی در هنگام مناجات با خدا مالامال از خشم بود، و به پیامبر ﷺ می‌فرماید تو این‌گونه مباش (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۳۸۷). یا آنجا که می‌فرماید: شما مؤمنان مانند فلان افراد و فلان گروه نباشید (حشر: ۱۹؛ انفال: ۲۱؛ آل عمران: ۱۰۵). از تمام این آیات که گاهی الگوهای مثبت و حسنه را ذکر و به تأسی به آنها امر می‌کند و گاهی از تبعیت از برخی الگوها نهی می‌کند، برداشت می‌شود که انسان نیاز به الگو دارد و این نیاز مربوط به بعد روحانی و از نیازهای معنوی انسان است.

ح. نیاز به زینت و آرایش

زیبایی عبارت است از نظم و هماهنگی که همراه عظمت و پاکی، در شیئی وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط پدید آورد (معین، ۱۳۷۱، مدخل زیبایی). البته زینت یک تفاوت ظریفی با جمال دارد، به این شکل که زینت صرفاً به زیبایی عرضی و آرایش اطلاق خواهد شد که یک امر عارضی است و با ضمیمه کردن شیء دیگری از خارج حاصل می‌شود؛ در صورتی که جمال به زیبایی اصلی خود شیء که خود به خود و به طور طبیعی در آن وجود دارد، گفته می‌شود. بنابراین زینت یک امری عارضی است، اما جمال صفت ذات خود شیء است (مصباح، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۴۸).

خداوند در فطرت انسان حس زیبایی دوستی و توجه به زینت نهاده است. در آیه ۳۱ و ۳۲ سورة «اعراف» می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ، قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...» در آیه اول خداوند انسان را به زینت کردن به هنگام حضور

و احترام یکی از نیازهای معنوی است. حتی در آخرت هم این نیاز برای انسان وجود دارد؛ به همین خاطر است که قرآن در سورة «واقعه» آیه ۳۷ در وصف زنان بهشتی می‌فرماید: «عُرْبًا أَتْرَابًا»؛ یعنی زنانی که تنها به همسرشان عشق می‌ورزند و خوش‌زبان و فصیح و هم سن و سال‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۵۳۵). بنابراین نیاز به محبت یکی از نیازهای ثابت انسان است.

ز. نیاز به الگو (اسوه حسنه)

این نیاز با نیاز به هدایت تفاوت دارد، چون نیاز به هدایت ناظر به جنبه نظری از نظر قانون‌گذاری و تشریح احکام الهی است که از آن به دین تعبیر می‌شود. اما نیاز به الگو نیاز به هدایت عملی و عینی است که تکمیل‌کننده هدایت تشریحی است. انسان ذاتاً کسانی را اسوه و الگوی خود قرار می‌دهد تا او را هم در علم و هم در عمل به خیر و صلاح ترغیب و راهنمایی کند و این الگو، همان انبیا و اولیای الهی‌اند که در هر دو بعد علم و عمل در مکتب وحی، تربیت گشته و اسوه حسنه امت‌ها شده‌اند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱۵، ص ۳۰۵ و ۳۰۶). انسان هم در رفتار و عمل و هم در علم نیاز به الگو و نمونه عینی دارد. قرآن در سوره‌های مختلف به این مطلب اشاره و آن را مطرح و بیان می‌کند. خداوند از یک سو پیامبر ﷺ را برای همه مؤمنان، الگوی شایسته و اسوه حسنه قرار می‌دهد و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱). علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید: واژه «سوه» به معنای اقتدا و پیروی است، و عبارت «فِي رَسُولِ اللَّهِ» یعنی در مورد رسول خدا ﷺ بنابراین اسوه در مورد رسول خدا ﷺ به معنای پیروی از او می‌باشد و تعبیر «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ» استمرار در گذشته برای اشاره این است که این وظیفه (تبعیت و پیروی از پیامبر ﷺ همیشه ثابت است و شما همیشه باید به او تأسی کنید؛ یعنی یکی از وظایف ایمانی شما نسبت به رسول خدا ﷺ این است که هم در گفتار و هم در رفتار به او تأسی کنید (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۸۸).

و از سوی دیگر، ابراهیم ﷺ و مؤمنان همراه او را نمونه دیگری برای اقتدا و تأسی مؤمنان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «فَقَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ» و در دو آیه بعد می‌فرماید: «فَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ» (ممتحنه: ۶ و ۷). از سویی هم دیگر پیامبران الهی را به طور ضمنی و غیرصریح،

خود یعنی اسلام سخن به میان می‌آورد. از مجموعه این آیات می‌توان فهمید که دین یکی از نیازهای اصلی و مهم انسان است؛ به دلیل اینکه اولاً: خداوند این دین را به وسیلهٔ رسولش برای انسان‌ها فرستاده؛ و ثانیاً: این دین مورد پسند خداوند و مؤمنان است و ثالثاً: انسان‌ها همواره در طول تاریخ سعی داشتند که حتماً دینی برای خود برگزینند. علامه طباطبائی در ذیل آیه ۵۵ سورة «نور» «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» می‌نویسد: مراد از دین پسندیده در این آیه، دین اسلام است و اگر دین را به ضمیری اضافه کرد که به مؤمنان برمی‌گردد، از باب احترام است و اینکه دین مقتضای فطرت خود آنان است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۵۲). بنابراین نیاز به دین نیازی مطابق با فطرت انسان و مربوط به بعد معنوی و روحی انسان است.

۵. نیاز به اطمینان قلب و آرامش روانی

از آیات متعدد قرآن می‌توان فهمید که یکی از نیازهای انسان، نیاز به آرامش قلبی و روانی است. به‌طور کلی نیاز انسان به آرامش به دو حوزه قلب و روان قابل تقسیم است:

در حوزه قلب یا روح، انسان نیازمند اطمینان نسبت به باورهای اساسی خویش است؛ باورهای اساسی آدمی گاه غایبانه و برخاسته از استدلال عقلی است، ولی گاه با مشاهده حضوری است که آرامش و اطمینان قلبی در پی دارد به‌گونه‌ای که هیچ دغدغه‌ای نسبت به آن باقی نمی‌ماند. برای مثال خداوند در آیه ۲۶۰ سورة «بقره» می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لِمَ تُؤْمِنُ قَالِ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

این آیه ماجرای درخواست ابراهیم علیه السلام را بیان می‌کند که از خداوند تقاضای مشاهده حسی صحنه رستاخیز را کرده بود تا مایه آرامش قلب او گردد. در حقیقت ابراهیم از طریق عقل و منطق به رستاخیز ایمان داشت، ولی می‌خواست از طریق احساس و شهود نیز آن را دریابد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۰۳). علامه طباطبائی می‌فرماید: مطلوب ابراهیم علیه السلام از این درخواست به دست آوردن مطلق اطمینان و ریشه کن کردن منشأ همه خطورها و وسوسه‌ها از قلب است. این‌گونه خطورات جز از راه مشاهده و حس برطرف نمی‌شود (ر.ک:

در مسجد فرمان می‌دهد و در آیه بعد کسانی را که زینت‌هایی که خداوند برای انسان‌ها آفریده را حرام می‌کنند، توبیخ می‌کند. در این دو آیه در کنار زیبایی، خوردن و آشامیدن و استفاده از روزی‌های پاک آمده که از سوی، نشان‌دهنده نیاز وجودی انسان به هر دو؛ و از سوی دیگر، حکایت‌کننده تمایز مقولهٔ زیبایی از لذت‌های جسمانی است (ر.ک: خرقانی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۳ و ۱۹۴). بنابراین زینت و خودآرایی یک نیاز معنوی است؛ اگرچه این نیاز بر بعد مادی انسان اثرگذار است، اما این به‌منزله مادی بودن آن نیست؛ بلکه این روح انسان است که میل به زینت و زیبایی دارد و این زینت و زیبایی است که زمینه جلب محبت دیگران را فراهم می‌کند و مقدمه‌ای برای تشکیل اجتماع می‌شود. علامه طباطبائی در ذیل این آیه می‌گوید: اگر انسان به‌تنهایی و دور از جامعه زندگی می‌کرد نیازی به زینت نداشت؛ اما در زندگی اجتماعی این نیاز را حس می‌کند و تا حدی این مطلب جدی و مهم است که اگر در جامعه‌ای زینت نباشد آن جامعه از بین خواهد رفت (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۸۱).

در آیات دیگر نیز به این نیاز حتی در آخرت و برای بهشتیان اشاره می‌کند (کهف: ۴۱، حج: ۲۳) و این تعمیم به ثابت بودن این نیاز و نشئت گرفتن آن از سرشت وجودی انسان دلالت دارد. بنابراین نیاز به زینت و زیبایی یکی از نیازهای روحی و معنوی و نیز از نیازهای اجتماعی انسان است.

۶. نیاز به دین

مجموعه قوانین الهی همان دین است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۴۷) که توسط پیامبران الهی برای هدایت انسان‌ها آورده شده است. دین اخص از هدایت است، چون هدایت به تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود که قسم تشریحی آن دین است و ما به دلیل اهمیت نیاز به دین، آن را مستقلاً مطرح کردیم. خداوند در آیه ۳۳ سورة «توبه» «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» می‌فرماید که خداوند رسولش (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) را با هدایت و دین حق فرستاد و دین اسلام بر تمام ادیان دیگر غلبه خواهد کرد. در آیه ۸۵ سورة «آل عمران» «وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» دینی غیر از اسلام را قابل قبول نمی‌داند و در آیه ۳ سورة «مائدة» «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» از اکمال دین و دین مورد رضایت

طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲، ص ۳۷۳). بنابراین انسان علاوه بر استدلال عقلی بر معاد و مبدأ، نیاز به یک شهود قلبی و علم حضوری دارد تا نفسش از شر خطورات موهوم نفسانی رهایی یابد و به آرامش برسد. خداوند در آیه دیگر می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ «(هدایت‌شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد! علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌نویسد: از ظاهر سیاق برمی‌آید که صدر آیه بیان ذیل آیه قبل «بهدی الیه من اناب» است، و می‌فهماند انابه همان ایمان و اطمینان قلب با ذکر خداست، البته این از ناحیه عبد است که او را آماده و مستعد می‌سازد برای اینکه مشمول عنایت و عطیه الهی گردد؛ همچنان‌که فسق و اعراض از حق در طرف ضلالت، خود زمینه را آماده برای اضلال خدایی می‌کند؛ و لذا فرموده است: «وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» (بقره: ۲۶) و نیز فرمود: «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (صف: ۵) (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۱، ص ۳۵۳). یاد خدا تنها به ذکر زبانی نیست، اگرچه یکی از مصادیق روشن یاد خداست؛ زیرا آنچه مهم است یاد خدا بودن در تمام حالات خصوصاً در وقت گناه است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۵۵).

آیه میثاق (اعراف: ۱۷۲) می‌فرماید: مکالمه‌ای بین خدا و انسان تحقق یافته که عذری برای خطا در تطبیق نگذاشته است. به نظر می‌رسد که چنین مکالمه حضوری که خطای در تطبیق را هم نفی می‌کند، جز با علم حضوری و شهود قلبی حاصل نمی‌شود. معرفتی که در آیه به آن اشاره شد معرفتی شخصی است، نه شناخت کلی که از راه مفاهیم انتزاعی و عناوین عقلی حاصل شود (مصباح، ۱۳۹۲ الف، ج ۱، ص ۴۹-۴۸). در نتیجه از مجموع آیاتی که به درخواست ابراهیم خلیل برای دیدن کیفیت احیای مردگان و معراج پیامبر ﷺ و ارائه ملکوت (انعام: ۷۵) به ابراهیم ﷺ و ماجرای عزیز پیامبر (بقره: ۲۵۹) سخن گفته‌اند، استفاده می‌شود که انسان علاوه بر راه استدلال و عقل، به راه دیگری برای رسیدن به حقایق نیاز دارد که همان راه شهود قلبی است که انسان را به اطمینان می‌رساند. این نیاز به اطمینان قلب از نیازهای معنوی انسان می‌باشد. چنان‌که در حوزه روان نیز انسان برای رسیدن به کمال و مدیریت رفتار فردی و جمعی خود نیازمند به آرامش فیزیکی و روانی است. چنان‌که خداوند شب را مایه آرامش انسان معرفی می‌کند: «هُوَ

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (یونس: ۶۷)؛ استراحت در شب موجب می‌شود خستگی‌های فیزیکی از تن انسان دور گردد و در نتیجه روان او نیز آرامش پیدا کند. در جای دیگر خداوند همسر را مایه آرامش انسان معرفی کرده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم: ۲۱).

پس هریک از آن زوجین فی‌نفسه ناقص و محتاج به طرف دیگر است و از مجموع آن دو، واحدی تام و تمام درست می‌شود و به خاطر همین نقص و احتیاج است که هریک به سوی دیگری حرکت می‌کند و چون بدان رسید، آرام می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶). هدف از ازدواج، تنها ارضای غریزه جنسی نیست؛ بلکه رسیدن به یک آرامش جسمی و روانی است و همسر مایه آرامش جسمی و روحی انسان است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۱۸۹).

نتیجه‌گیری

در این مقاله دریافتیم که انسان از منظر قرآن، دارای نیازهای مادی و معنوی متعددی است که عبارتند از:

الف) نیازهای مادی: از نظر قرآن مهم‌ترین نیازهای مادی انسان، نیاز به خوردن و آشامیدن، مسکن، پوشش (لباس)، نیاز جنسی، نیاز به خواب، و نیاز به امنیت می‌باشند.

ب) نیازهای معنوی: نیازهای معنوی انسان، نیاز به شناخت، نیاز به هدایت، نیاز به ولی و سرپرست، نیاز به پرستش، نیاز به عزت، نیاز به محبوبیت و احترام، نیاز به الگو، نیاز به زینت و آرایش، نیاز به دین، نیاز به اطمینان قلب (به واسطه شهود قلبی و حضوری حقایق) و آرامش فیزیکی و روانی است.

.....منابع.....

- ابن فارس، احمدبن، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، ج ۱۴ (صورت و سیرت انسان در قرآن)، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۲، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، ج ۱۵ (حیات حقیقی انسان در قرآن)، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۳، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، ج ۱۶ (هدایت در قرآن)، قم، اسراء.
- خرقانی، حسن، ۱۳۹۱، *قرآن و زیبایی‌شناسی*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- خلیلی تیرناشی، نصرالله، ۱۳۸۲، «معیار تشخیص نیازهای واقعی انسان از نیازهای کاذب از دیدگاه اسلام»، *معرفت*، ش ۷۵، ص ۱۰۵-۱۱۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالعلم.
- سلطانی، محمدرضا، ۱۳۹۲، «درآمدی بر شناسایی نیازهای انسان از دیدگاه قرآن با تأکید بر برتری نیازهای معنوی در سلسله نیازها»، *مدیریت اسلامی*، ش ۱، ص ۹-۳۳.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۵۸، *نهادهای اقتصادی اسلام*، ترجمه غلامرضا بیات و فخرالدین شوشتی، تهران، بدر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۹، *بررسی‌های اسلامی*، ج سوم، قم، بوستان کتاب.
- _____، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ط. الثانية، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسیر الکبیر*، ج سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قرآتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلانتری، ابراهیم، ۱۳۸۹، «راهکارهای عینی پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای انسان معاصر»، *مطالعات تفسیری*، ش ۲، ص ۳۵-۶۰.
- مرویان حسینی، سیدمحمود، ۱۳۸۳، *نیازهای انسان از منظر آموزه‌های دینی و روان‌شناسی*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴الف، *مشکات*، ج ۱ (اخلاق در قرآن)، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۴ب، *مشکات*، ج ۲ (اخلاق در قرآن)، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۲الف، *مشکات*، ج ۱ (خداشناسی)، چ یکنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۲ب، *مشکات*، ج ۱ (انسان‌شناسی)، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *مجموعه آثار*، ج ۳ (ختم نبوت)، تهران، صدرا.

معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ معین*، چ هشتم، تهران، امیرکبیر.

مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۷۳، *ترجمه قرآن*، چ دوم، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

_____ و دیگران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.